

علائم ظهور امام زمان (عجل الله تعالی و فرجه)

<?xml encoding="UTF-8?">



شرایط ظهور امام زمان (عج)

مقصود از شرایط ظهور، همان شرایطی است که تحقق روز موعود متوقف بر آنها است و گسترش عدالت جهانی به آنها بستگی دارد و می توان تعداد این شرایط را چنین دانست.

شرط اول: وجود طرح و برنامه عادلانه کاملی که عدالت خالص واقعی را در برداشته باشد و بتوان آن را در هر زمان و مکانی پیاده کرد و برای انسانیت سعادت و خوشی به بار آورده و تضمین کننده سعادت دنیوی و اخروی انسان باشد. روشن است که بدون چنین برنامه و نقشه جامعی، عدالت کاملاً متحقق نخواهد شد.

شرط دوم: وجود رهبر و پیشوای شایسته و بزرگ که شایستگی رهبری همه جانبه آن روز را داشته باشد.

شرط سوم: وجود یاران همکار و همفکر و پاسدار در رکاب آن رهبر واحد برای پیاده کردن جهانی آن اهداف بلند. ویژگیهایی را که این افراد می بایست واجد باشند، در همین شرط نهفته است زیرا این افراد باید دارای خصوصیات معینی باشند تا بتوانند آن کار مهم را انجام دهند و گرنه هر گونه پشتیبانی کفایت نمی کند.

شرط چهارم: وجود توده های مردمی که در سطح کافی از فرهنگ و شعور اجتماعی و روحیه فداکاری باشند. تا در نخستین مرحله موعود گروه های اولیه پیروان حضرت مهدی (عج) را تشکیل دهند زیرا آن افراد با اخلاص درجه

یک که شرط سوم با وجود آنها محقق می شود، گروه پیشرو جبهه جهانی هستند. لازم به ذکر است که شرایط چهار گانه فوق مربوط به پیاده کردن عدالت خالص در روز موعود است ولی چنانچه نسبت به شرایط ظهور بسنجیم، یکی از آنها که وجود رهبر باشد، کم می شود. و سه شرط دیگر باقی می ماند زیرا معنی ظهور آن است که فرد آماده قیام در آن روز وجود دارد که می خواهد ظاهر شود و با گفتن این کلمه شرط دوم را ضمنی پذیرفته ایم و خواه ناخواه سه شرط بیشتر باقی نمی ماند.

علایم ظهور حضرت مهدی (عج)

وقت ظهور آن حضرت برای هیچ کس جز خداوند متعال معلوم نیست و کسانی که وقت ظهور را تعیین می کنند، دروغگو شمرده شده اند ولی علایم و نشانه های بسیاری برای ظهور آن حضرت در کتابهای حدیث ثبت شده است که ذکر تمام آنها از حوصله این مجموعه خارج است. علایم ظهور به دو دسته کلی تقسیم می شوند علایم حتمی و علایم غیر حتمی چنانکه فضیل بن یسار از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

نشانه های ظهور دو دسته هستند یکی نشانه های حتمی و دیگر نشانه های غیر حتمی، خروج سفیانی از نشانه های حتمی است که راهی جز آن نیست. منظور از علایم حتمی آن است که به هیچ قید و شرطی مشروط نیست و قبل از ظهور باید واقع شود مقصود از علایم غیر حتمی آن است که حوادثی به طور مطلق و حتم از نشانه های ظهور نیست بلکه مشروط به شرطی است که اگر آن شرط تحقق یابد مشروط نیز متحقق می شود و اگر شرط مفقود شود مشروط نیز تحقق نمی یابد. اما علایم غیر حتمی بسیارند که به یک روایت از امام صادق (علیه السلام) اکتفا می کنیم که در این روایت چنان روی علایم و مفاسد انگشت گذارده شده که گویی این پیشگویی مربوط به 13 یا 14 قرن پیش نیست بلکه مربوط به همین قرن است و امروز که بسیاری از آنها را با چشم خود می بینیم، قبول می کنیم که به راستی معجزه آساست.

امام صادق (علیه السلام) در این روایت به 119 نشانه و علامت از علایم ظهور اشاره می کند ما در اینجا فقط به ذکر برخی از آن مواد 119 گانه اشاره می نماییم.

حضرت صادق (علیه السلام) به یکی از یارانش فرمود:

- 1 - هرگاه دیدی که حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند؛
- 2 - دیدی که ظلم و ستم فراگیر شده است؛
- 3 - و دیدی که قرآن فرسوده و بدعت هایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن آمده است؛
- 4 - و دیدی که دین خدا (عملاً) تو خالی شده و همانند ظرفی آن را واژگون سازند؛
- 5 - و دیدی که کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی شود و بدکاران بازخواست نمی شوند؛

- 6 - ویدی که مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا کنند؛
- 7 - ویدی که شخص بدکار دروغ می گوید و کسی دروغ و نسبت ناروای او را ردّ نمی کند؛
- 8 - ویدی که بچه ها به بزرگان احترام نمی گذارند؛
- 9 - ویدی که قطع پیوند خویشاوندی شود؛
- 10 - ویدی که بدکار را ستایش کنند و او شاد شود و سخن بدش بر او نگردد؛
- 11 - ویدی که نوجوانان پسر همان کنند که زنان می کنند؛
- 12 - ویدی که زنان با زنان ازدواج کنند؛
- 13 - ویدی که انسان ها اموال خود را به غیر اطاعت خدا مصرف می کنند و کسی مانع نمی شود؛
- 14 - ویدی که افراد با کار و تلاش نامناسب مؤمن به خدا پناه می برند؛
- 15 - ویدی که مدّاحی دروغین از اشخاص زیاد می شود؛
- 16 - ویدی که همسایه همسایه خود را اذیت می کند و از آن جلوگیری نمی شود؛
- 17 - ویدی که کافر به خاطر سختی مؤمن شاد است؛
- 18 - ویدی که شراب را آشکارا می آشامند و برای نوشیدن آن کنار هم می نشینند و از خدای متعال نمی ترسند؛
- 19 - ویدی کسی که امر به معروف می کند، خوار و ذلیل است؛
- 20 - ویدی که آدم بدکار در آنچه خداوند دوست ندارد، نیرومند و مورد ستایش است؛
- 21 - ویدی که اهل قرآن و دوستان آنها خوارند؛
- 22 - ویدی که مردم به شهادت و گواهی ناحق اعتماد می کنند؛
- 23 - ویدی که جرأت بر گناه آشکار شود و دیگر کسی برای انجام آن منتظر تاریکی شب نگردد؛
- 24 - ویدی که مؤمن نتواند نهی از منکر کند مگر در قلبش؛
- 25 - ویدی که والیان در قضاوت رشوه بگیرند؛
- 26 - ویدی که پست های مهم والیان بر اساس مزایده است نه بر اساس شایستگی؛
- 27 - ویدی که مردم را از روی تهمت و یا سوء ظن بکشند؛
- 28 - ویدی که شنیدن سخن حق بر مردم سنگین است ولی شنیدن باطل برایشان آسان است؛
- 29 - ویدی که همسایه از ترس زبان به همسایه احترام می گذارد؛
- 30 - ویدی که حدود الهی تعطیل می شود و طبق هوی و هوس عمل می شود؛
- 31 - ویدی که معاش انسان از کم فروشی به دست می آید؛
- 32 - ویدی که مرد به خاطر دنیایش ریاست می کند؛
- 33 - ویدی که نماز را سبک شمارند؛
- 34 - ویدی انسان ثروت زیادی جمع کرده ولی از آغاز آن تا آخر زکاتش را نداده است؛
- 35 - ویدی که دل های مردم سخت و دیدگانشان خشک و یاد خدا برایشان گران است؛
- 36 - ویدی که بر سر کسب های حرام آشکارا رقابت می کنند؛
- 37 - ویدی نماز خوان برای خود نمایی نماز می خواند؛
- 38 - ویدی مردم در اطراف قدرتمندانند؛
- 39 - ویدی طالب حلال سرزنش و مذمت می شود و طالب حرام ستایش و احترام می گردد؛

- 40 - و دیدی در مکه و مدینه کارهایی می کنند که خدا دوست ندارد و کسی از آن جلوگیری نمی کند و هیچ کس بین آنها و کارهای بدشان مانع نمی شود؛
- 41 - و دیدی که به فقیر چیزی دهند که به او بخندند ولی در غیر خدا ترخم است؛
- 42 - و دیدی که مردم مانند حیوانات در انظار یکدیگر عمل جنسی بجا آورند و کسی از ترس مردم از آن جلوگیری نمی کند؛
- 43 - و دیدی که عقوق پدر و مادر رواج دارد و فرزندان هیچ احترامی برای آنها قائل نیستند بلکه نزد فرزند از همه بدترند؛
- 44 - و دیدی که پسر به پدرش نسبت دروغ بدهد و پدر و مادرش را نفرین کند و از مرگشان شاد گردد؛
- 45 - و دیدی که اگر روزی بر مردی بگذرد ولی او در آن روز گناه بزرگی مانند بدکاری، کم فروشی و زشتی انجام نداده، ناراحت است؛
- 46 - و دیدی که قدرتمندان غذای عمومی مردم را احتکار کنند؛
- 47 - و دیدی که اموال خویشان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) (خمس) در راه باطل تقسیم می گردد و با آن قمار بازی و شرابخوری شود؛
- 48 - و دیدی که هم و هدف مردم شکمشان و شهوتشان است؛
- 49 - و دیدی که صدقه را با وساطت دیگران و بدون رضای خداوند و به خاطر در خواست مردم بدهند؛
- 50 - و دیدی که نشانه های برجسته حق ویران شده است، در این وقت خود را حفظ کن و از خدا بخواه که از خطرات گناه نجات بدهد.

علائم و نشانه های حتمی ظهور امام زمان (عج)

- علائم و نشانه های حتمی، آن است که به هیچ قید و شرطی مقید و مشروط نیست و قبل از ظهور باید واقع شود با استفاده از روایات معصومین علیهما سلام علائم حتمی الوقوع عبارتند از:
- 1- امام صادق ع (علیه السلام) فرمود:
- پیش از ظهور قائم (عج) پنج نشانه حتمی است: خروج یمانی و سفیانی، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه، و فرو رفتن در بیابان.
- 2 - و نیز در جای دیگر امام صادق (علیه السلام) فرموده است:
- وقوع ندا از امور حتمی است و سفیانی از امور حتمی است و یمانی از امور حتمی است و کشته شدن نفس زکیه از امور حتمی است و کف دستی که از افق آسمان بیرون می آید، از امور حتمیه است.
- و اضافه فرمود:
- و نیز وحشتی در ماه رمضان است که خفته را بیدار می کند و شخص بیدار را به وحشت انداخته و دوشیزگان پرده نشین را از پشت پرده بیرون آورد.
- 3 - حضرت علی (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت نموده که فرمود: ده چیز است که

پیش از ظهور به وقوع خواهد پیوست.

1- سفیانی

2 - دجال

3 - دخان

4- دابّه

5 - خروج قائم

6 - طلوع خورشید از مغرب

7 - نزول عیسی

8 - خسوف در مشرق

9 - خسوف در جزیره العرب

10 - آتشی که از مرکز عدن شعله می کشد و مردم را به سوی بیابان محشر هدایت می کند.

نشانه های ظهور

هر رویکرد جهانی که در عرصه ی گیتی تحقق یافته و می یابد ناگزیر از نشانه هایی است. بویژه رخدادهایی که توسط پیامبران الهی خبر داده شده است. در این میان حرکت جهانی امام عصر (ارواحنا فداه) از این قانون مستثنی نبوده و از نشانه هایی برخوردار است تا بشریت متوجه نزدیک شدن و یا فرا رسیدن آن شوند. از وحی پیرامون زمان دقیق ظهور حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه) سخنی نرسیده است بلکه دستور داده اند که هرگاه کسی زمانی را تعیین کرد، او را تکذیب کنید لیکن برای آمدن آنحضرت نشانه هایی بیان فرموده اند که برخی از آن علائم حتمی شمرده است. به این معنا که پس از تحقق این امور ظهور آن امام قطعی است که پنج علامت می باشند. برخی اندکی پیش از ظهور، برخی چند ماه بعد از آمدن آنحضرت و برخی اندکی پیش از قیام نجات بخش آنحضرت پدیدار می شود.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرموده اند: آنچه که بطور حتم پیش از قیام قائم تحقق خواهد یافت، بپا خواستن سفیانی و فرو رفتن گروهی در زمین بیدا و کشته شدن نفس زکیه و فریادی که از آسمان بلند شده و خروج فردی از یمن است.

سایر علائمی که در این مورد بیان شده قابل تغییرند حتّی پر شدن زمین از ظلم. اگر چه تحقّق این مطلب قریب به حتم است امّا روایاتی از معصومین (علیهم السلام) وارد شده که اگر همه ی مردم دعا کنند امر غیبت به انتها (پر شدن زمین از ظلم و جور) نمی رسد. این خود حکایت از غیر حتمی بودن این نشانه ها دارد.

ممکن است چنین تصور شود که آمدن سفیانی دربرگیرنده ی ظلم و جور فراوانی است! در جواب می گوئیم: این در صورتی است که مدّت سلطنت او طبق روایات نه ماه طول بکشد ولیکن نه ماه طول کشیدن حکومت وی نیز غیر حتمی است و ممکن است در آن بداء شده (1) و زمان حکومتش یک ماه یا کمتر طول بکشد و آنچه حتمی است تنها قیام است. بلکه برخی در مورد محتوم بودن همین پنج علامت نیز بیانی دارند که وقوع این رویدادها

حتمی نیست بلکه علامت بودن آنها برای ظهور حتمی است. بدین معنی که اگر اینها واقع شود حتماً ظهور و قیام آنحضرت را در پی داشته و این امر تخلف ناپذیر است ولی ممکن هست اینها نیز اتفاق نیفتد و در اصل وقوع اینها بداء حاصل شود چنانچه حضرت جواد (علیه السلام) حتمی بودن خروج سفیانی را تأیید نموده و سپس بداء را در آن ممکن می شمارد (2) و از دیگر سوی روایاتی اشاره به ناگهانی بودن امر فرج کرده و هم چنین شیعه را به انتظار لحظه به لحظه فرا می خواند، که می بایست تحقق این امر در هر لحظه حتی در صورت عدم به وقوع پیوستن نشانه های حتمی، امکان پذیر باشد.

خروج سفیانی

همانگونه که ذکر شد پدید آمدن سفیانی از نشانه های حتمی ظهور می باشد امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه «ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ» فرمودند: «إِنَّهُمَا أَجَلَانِ أَجَلٌ مَّحْتُومٌ وَ أَجَلٌ مَّوْقُوفٌ فَقَالَ لَهُ حُمْرَانُ مَا الْمَحْتُومُ» (3).

آن دو مهلت است یکی حتمی و دیگر غیر حتمی که مشیت الهی در آن کارگر خواهد بود. به خدا قسم کار سفیانی حتمی است.

در بین حدیث شناسان اتفاق نظر وجود دارد که این فرد از فرزندان ابو سفیان است و به همین جهت او را سفیانی می گویند.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«يَخْرُجُ ابْنُ أَكَلَةِ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَاسِ، وَهُوَ رَجُلٌ رُبْعَةٌ، وَخَشُ الْوَجْهِ، ضَحْمُ الْهَامَةِ، بِوَجْهِهِ أَثَرُ جُدْرِيٍّ، إِذَا رَأَيْتَهُ حَسِبْتَهُ أَعُورَ، اسْمُهُ عُثْمَانُ، وَأَبُوهُ عُنْبَسَةُ، وَهُوَ مِنْ وَلَدِ أَبِي سُفْيَانَ، حَتَّى يَأْتِيَ أَرْضاً ذَاتَ قَرَارٍ وَمَعِينٍ، فَيَسْتَوِي عَلَى مَنَبْرَها» (4).

فرزند زن جگرخوار از بیابان خشک خروج می کند و او مردی چهارشانه با چهره ای وحشتناک است. دارای سری بزرگ و در چهره اش نشان زخمی چرکین دیده می شود وقتی او را می نگری گویی یک چشم ندارد. نامش عثمان و پدرش عنبسه و از فرزندان ابو سفیان است. حرکتش را تا سرزمینی که دارای آرامش و آب خوش گوار «کوفه» است ادامه می دهد و بر فراز منبر آن می نشیند.

خروج سفیانی قبل از قیام امام (ارواحن فدا) واقع می شود.

«عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ (علیه السلام) عَنِ السُّفْيَانِيِّ فَقَالَ وَ أَنَّى لَكُمْ بِالسُّفْيَانِيِّ حَتَّى يَخْرُجَ قَبْلَهُ الشَّيْصَبَانِيُّ يَخْرُجُ مِنْ أَرْضِ كُوفَانَ يَنْبُعُ كَمَا يَنْبُعُ الْمَاءُ فَيَقْتُلُ وَفَدَكُمْ فَتَوَقَّعُوا بَعْدَ ذَلِكَ السُّفْيَانِيَّ وَ خُرُوجَ الْقَائِمِ (علیه السلام)» (5).

جابر جعفی از امام باقر (علیه السلام) درباره سفیانی می پرسد. او می فرماید: شما را با سفیانی چکار؟! پیش از او شیصبانی از کوفه خروج می کند و چون آب از زمین می جوشد و گروه شما را به خاک و خون می کشد پس از وی منتظر خروج سفیانی و پس از او قیام قائم (علیه السلام) باشید.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ السُّفْيَانِيُّ وَالْيَمَانِيُّ وَالْمَرْوَانِيُّ وَشُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ فَكَيْفَ يَقُولُ هَذَا هَذَا.» (6)

قبل از امر فرج، سفیانی و یمانی و مروانی و شعیب بن صالح پدیدار خواهند شد!! چگونه می گوید این همان (مهدی) است (در حالی که هیچ یک پدیدار نشده اند).

شخصیت سفیانی (تفکرات، رفتار)

نام او عثمان بن عبسه و از نژاد امویان است مردی سفاک و خون آشام که انسان ها را مانند پشه به آسانی می کشد هر حرامی را حلال نموده و به هر جنایتی دست می اندازد. در احادیث پیرامون تفکرات وی به گونه ای سخن رفته که گویی هیچ اعتنایی ندارد اگر چه تظاهر به اسلام می کند لیکن صلیبی از طلا بر گردن آویخته است. از کارهای سفیانی و جنایات هولناک او نیز بسیار سخن رفته است او سنگدلترین انسانهاست که عاطفه در قاموس زندگیش وجود ندارد و مهر و رحم در آن دیده نمی شود. او و یارانش دل هایی مالا مال از کینه و نفرت، نسبت به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دارند.

در این زمینه اکتفا می کنیم به حدیثی از وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) که درباره ی وی می فرمایند:

«أَشَدَّ خَلْقِ اللَّهِ شَرًّا وَأَكْثَرَ خَلْقِ اللَّهِ ظُلْمًا شَرُّهُ، قَاسَى الْقَلْبِ، يَجْمَعُ لَهُ وَلَجِيْشُهُ مِنْ كَافَّةِ الْأَقْطَارِ الْإِسْلَامِيَّةِ فَيَهْزِمُهُمْ وَيَقْتُلُهُمْ وَيُنَادِي شَعَارَ لَهُ فِي حُرُوبِهِ هُوَ: يَا رَبِّ ثَارِي ثُمَّ الثَّارِ يَا رَبِّ الثَّارِ وَلَا الْعَارَ» (7).

شر او از همه بندگان خدا بیشتر و سختتر است و بیش از همه ی مردم ستم می کند. بد خلق و سنگ دل می باشد از تمام کشورهای اسلامی علیه او بسیج می شوند آنگاه همگی را شکست داده و به خاک و خون می کشد و شعارش در جنگ ها این است، ای خدا! انتقام و سپس آتش. خدایا! آتش آری! اما عار و ننگ هرگز. و نمونه ای از کشتار او در کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه ی بیان این چنین ترسیم شده است.

«فَيَقْتُلُ بِالزُّورَاءِ سَبْعِينَ أَلْفًا وَيَبْقُرُ بَطُونَ ثَلَاثِمِائَةِ امْرَأَةٍ حَامِلٍ.» (8)

آنگاه در شهر زوراء هفتاد هزار نفر را به خاک و خون می کشد و شکم سیصد زن حامله را می درد.

فتنه گری سفیانی

نشانه ی خروج سفیانی، پدیدار شدن سه پرچم و شعله ور شدن آتش جنگ بین آن هاست. پرچمی از سوی غرب حرکت کرده و وارد مصر می شود و در آنجا دست به جنایات بسیاری می زند و پرچمی از بحرین از جزیره ی (أوال) از منطقه ی فارس به اهتزاز در می آید. و پرچمی دیگر نیز از شام. این ماجرا یک سال ادامه خواهد یافت و پس از آن مردی از فرزندان عباس خروج می کند و اهل عراق می گویند:

گروه پابرهنگان یا بیدادگران و صاحبان نظرهای گوناگون آمدند. اهل شام و فلسطین دچار ترس و واهمه می گردند و به سوی سردمداران شام و مصر روی می آورند و به آنان گفته می شود: شما بروید و پسر فرمانروا (یعنی سفیانی) را بخواهید و او را به یاری طلبید. آنان سفیانی را دعوت می کنند و او با خواست آنان موافقت می نماید و در نقطه ای از دمشق به نام حرستا فرود می آید و دایی ها و وابستگان فکری خویش را در آنجا جمع می نماید. در بیابان خشک که منطقه ای در دمشق است، گروه های متعددی طرفدار دارد که به او می پیوندند. سفیانی دعوت آنان را اجابت می کند و روز جمعه به همراه همه ی آنان در دمشق به مسجد می رود و برای نخستین بار بر فراز منبر رفته و در نخستین منبر آنان را دعوت به جهاد می کند و آنان نیز با شنیدن سخنانش با او بیعت می کنند.

سپس به نقطه ای به نام غوطه می رود و همه ی مردم بر گرد او اجتماع می کنند و اینجاست که سفیانی در رأس گروه هایی از مردم شام خروج می کند و سه گروه با یکدیگر درگیر می شوند.

1 - پرچم از ترک و عجم که سیاه رنگ است.

2 - پرچم زرد رنگ که پرچم فرزندان عباس است.

3 - پرچمی از سفیانی و سپاه او.

در نقطه ای به نام بطن ارزق پیکار سختی در میان آنان رخ می دهد و شصت هزار کشته بر زمین می ماند و سفیانی پیروز می شود و مردم بسیاری را قتل عام می کند و سرزمین و مراکز قبایل را تصرف کرده و در میان آنان نخست عادلانه رفتار می کند به گونه ای که می گویند: هر آنچه از بیدادگری سفیانی به ما گزارش شده بی اساس است...

به هر حال مدتی کوتاه با آنان خوشرفتاری می کند و سپس نخستین حرکت خود به سوی حمص را آغاز می کند و از آنجا به دروازه ی مصر می رسد و در نقطه ای که قریه سبا نام دارد رخداد عظیم و پیکار سهمگین خواهد داشت که خبر آن همه جا منتشر می گردد و دلها - از خشونت و شقاوت او - لبریز از ترس و دلهره می گردد و شهرها یکی پس از دیگری در مقابل او سقوط می کند و سپس مستانه و مغرور به دمشق باز می گردد (9).

سفیانی در عراق

وقتی سفیانی با پیروزی های متعدد در دمشق مستقر شد سپاهی را به سوی عراق گسیل می دارد آنها وارد سرزمین بابل که همان شهر نفرین شده ی بغداد است، فرود می آیند و بیش از سه هزار نفر را می کشد و بیش از صد زن را به زور تصاحب و هتک حرمت می کنند و سیصد نفر از چهره های مهم بنی عباس (10) را نابود می سازد و بعد از آن به کوفه سرازیر می شوند و خانه های اطراف آن را تخریب می کنند و پس از آن سپاه به سوی شام باز می گردد اما در بین راه پرچم نجات و هدایتی در کوفه به اهتزاز در می آید و در راه به آنها می رسد ضمن پیکار شدیدی همه را نابود می سازد بگونه ای که یک نفر از سپاه سفیانی باقی نمی ماند تا خبر شکست لشکر را به سفیانی باز گوید (11).

سفیانی در حجاز

مقارن با گسیل سپاه به سوی عراق، سفیانی سپاهی عظیم به سوی سرزمین حجاز یعنی مکه گسیل می دارد. سپاه او به مدینه وارد شده و سه شبانه روز آن را غارت می کند پس از آن بسوی مکه روی آورده تا به بیابانی می رسند، خداوند جبرئیل را بسوی آنان می فرستد و دستور می دهد که برود و آنان را نابود سازد و جبرئیل با پای خود ضربتی بر آن زمین فرود می آورد و زمین به فرمان خدا همه آنان را می بلعد و جز دو نفر کسی باقی نمی ماند. این دو برادرند که به نام های بشیر و نذیر معرفی شده اند و جبرئیل به صورت آنها سیلی می زند بگونه ای که صورت های آنها به عقب بر می گردد و به همان حال می ماند و به نذیر می گوید: تو برو به دمشق و سفیانی را به ظهور مهدی (ارواحنا فداه) انذار کن و به او بگو که خدا سپاه اش را در بیداء هلاک کرد. و به بشیر می گوید: برو بسوی مهدی (ارواحنا فداه) در مکه و او را به هلاک ظالمین بشارت بده و بر دست او توبه کن که او توبه تو را می پذیرد. و او خدمت حضرت می آید حضرت دستان مبارک خود را بصورت او می کشد و دوباره به حال اول باز می گردد و با او بیعت می کند و در رکاب آن حضرت می ماند (12).

سفیانی و ندای آسمانی

امیر مؤمنان (علیه السلام) فرموده اند:

بعد از برگشت مغروران و مستانه ی سفیانی به شام، او در نقطه ای برای نوشیدن شراب و ارتکاب گناه و معصیت می نشیند و یاران و پیروان خویش را نیز به انجام گناه و جنایت فرمان می دهد. از مجلس گناه بر می خیزد و در حالیکه در دست سلاحی دارد دستور زنا می دهد و به یارانش می گوید با زنان مرتکب فحشا گردند، آنگاه شکم زنان را پاره کنند و کودکان را از رحم ها بیرون می کشند و آنها مرتکب چنین شقاوت ها می گردند و هیچ کس توان باز داشتن آنان را از این پلیدی ها در خود نمی بیند. اینجاست که فرشتگان، پریشان حال می شوند و خدا فرمان ظهور قائم آل محمد را که از نسل من می باشد، صادر می کند بی درنگ خبر ظهور او در سراسر گیتی پخش می گردد و جبرئیل در آن هنگام بر فراز صخره ای در بیت المقدس فرود می آید و خطاب به جهانیان می گوید:

«جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا.»

حق فرا رسید و باطل از میان رخت بربست. همانا باطل همیشه نابود است.

«یا عباد الله! اسمعوا ما أقول: انّ هذا مهدیّ آل محمد خارج من أرض مکه فأجیبوه» (13).

ای بندگان خدا! گوش فرا دهید آنچه را که می گویم: این مهدی آل محمد است که از سرزمین مکه خروج کرده او را اجابت کنید.

شکست سفیانی

پس از آنکه خبر فرو رفتن لشکر عظیم سفیانی بین مدینه و مکه به او می‌رسد و می‌فهمد که حضرت مهدی (ارواحنا فداه) قیام نموده است، از عراق به شام و فلسطین آمده خود را آماده ی رویارویی با آن حضرت می‌کند در ملاقاتی که بین او و امام (علیه السلام) رخ می‌دهد امام (علیه السلام) وی را به حضور می‌پذیرد و آن گفتگو به بیعت سفیانی با آن حضرت و ایمان آوردن به وی می‌انجامد، سپس سفیانی از آنجا به قرارگاه سپاه خود باز می‌گردد سران سپاهش به او می‌گویند چه کردی؟! می‌گویند من در برابر منطق محکم او اسلام او را پذیرفتم و با او دست بیعت دادم. سران سپاه او را ملامت می‌کنند بگونه ای که تصمیم جنگ با حضرت را می‌گیرد. سحرگاه یکی از روزها پیکار نهایی حق و باطل آغاز می‌گردد و خداوند پس از نبردی خونبار میان دو سپاه عدل و ظلم، حجت خدا و یاران او را پیروزی کامل می‌بخشد و سپاه سفیانی همگی نابود می‌شوند (14).

خروج سید حسنی

در لابه لای آنچه بیان شد یکی دیگر از نشانه های ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) که بوی حتم و یقین به خود گرفته است، خروج فردی به نام سید حسنی است. او جوانمردی از بنی هاشم و از نسل پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است و در دست راست او خالی وجود دارد - که البته بنا بر برخی روای ها در دست چپ او چنین نشانه ای ست - و از خراسان حرکت و جنبش خود را آغاز می‌کند. او شیعه و پیرو خاندان وحی و رسالت است بر عقیده ی خویش پایبند و استوار و دارای نفوذ گسترده و محبوبیت در دلهاست او همان کسی است که پیش از سپاه سفیانی و قتل و غارت آنها وارد کوفه می‌شود و همزمان با ورود او یمانی نیز از یمن به وی می‌پیوندد و سپاه سفیانی را در خارج کوفه از بین می‌برند و بعد از آن امر را به امام زمان (ارواحنا فداه) تسلیم می‌کند و با او بیعت می‌کند.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«يَخْرُجُ شَابٌّ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ بِكَفِّهِ الْيُمْنَى خَالٌ، مِنْ خُرَّاسَانَ بِرَايَاتٍ سُودٍ بَيْنَ يَدَيْهِ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ يُقَاتِلُ أَصْحَابَ السَّفِيَانِيِّ فَيَهْزِمُهُمْ» (15).

امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

جوانی از نسل هاشم که در دست راست وی خالی هست از طرف خراسان با پرچم های سیاه خروج می‌کند فرمانده لشکر او شعیب بن صالح است و او با لشکر سفیانی نبرد کرده و آنان را متلاشی می‌نماید.

خروج یمانی

یکی از عوامل زمینه ساز ظهور منجی عالم بشریت که در گذشته حتمی الوقوع بودنش را ذکر کردیم خروج فردی از یمن است این حرکت هدایت بخش ترین حرکت پیش از ظهور است و نویدبخش مؤمنان منتظر. حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمایند:

«خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ السُّفْيَانِيِّ وَ الْخُرَّاسَانِيِّ وَ الْيَمَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَ لَيْسَ فِيهَا رَأْيَةٌ أَهْدَى مِنْ رَأْيَةِ الْيَمَانِيِّ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ» (16).

سفیانی و خراسانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز قیام نموده و در میان ایشان پرچمی چون پرچم یمانی به هدایت نزدیک تر نیست.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَ خُرُوجَ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ» (17).

قیام سفیانی از شام و یمانی از یمن است.

در روایات آمده است که: یمانی در پی نبرد سفیانی با وی وارد عراق می شود. و نیز یمانی با کمک از نیروی خراسانی وارد صحنه کارزار با لشکریان سفیانی خواهد شد.

پرچم های سیاه در یاری امام زمان (ارواحنا فداه)

یکی دیگر از نشانه های ظهور که در روایات بدان اشاره شده است پدیدار شدن پرچم خراسانی است البته آنچه که از سخنان معصومان (علیهم السلام) بدست می آید این است که پرچم های متعددی از شرق یعنی بلاد شرقی ایران تا سر حدّ چین قیام می کنند که ظاهراً محلّ اجتماع آنها خراسان است و خراسانی نیز که پرچم مستقلی دارد با کمک آنان حرکت خود را آغاز می نماید، پرچم خراسانی مهمترین آن پرچم هاست. و به این اعتبار از همه ی آنها برایات شرقی تعبیر شده که دارای پرچم های سیاه هستند.

نکته ی دیگر اینکه در روایات به سه پرچم از خراسان اشاره شده است که در سه مرتبه قیام می کنند که دو مورد از آنها تحقق یافته یکی بیرق های سیاه ابومسلم خراسانی که برای تشکیل دولت بنی العباس بوده است و دوم پرچم مغول که از ناحیه خراسان آمد و دولت بنی العباس را بر هم زد لیکن سوم باقیمانده و اوست که متصل به ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) خواهد بود و با سفیانی خواهد جنگید. حضرت باقر (علیه السلام) فرمود:

آنگاه که لشکر سفیانی در کوفه مشغول قتل و غارت باشند بیرق هایی از طرف خراسان برسند که منزل ها را به سرعت طی کنند و با ایشان چند نفر از اصحاب قائم (ارواحنا فداه) باشد (18).

قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم):

«أَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ، اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَأَتَّهَ سَيْلِقَى أَهْلِ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي تَطْرِيداً وَتَشْرِيداً حَتَّى تَرْفَعَ رَايَاتِ

سود من المشرق فيسألون الحقّ فلا يعطون فيقاتلون فينصرون فيعطون الذی سألوا فمن أدركهم منكم أو من أبنائکم فليأتهم ولو حبواً على الثلج، فانّها رایه الهدی يدفعونها إلى رجل من أهل بیتی یملأ الأرض قسطاً وعدلاً بعدما ملئت جوراً وظلماً» (19).

برای ما اهل بیت خداوند آخرت را بر دنیا برگزیده است. همانا پس از من دودمانم آواره و مطرود مردم واقع خواهند شد تا آنگاه که پرچم های سیاه از سوی مشرق پدیدار شود پس آنان حق را طلب کنند لیکن به ایشان داده نشود پس می رزمند و پیروز می شوند پس هر کس از شما و یا نسل شما ایشان را درک کرد باید خود را به آنان رساند اگر چه بر روی یخ ها بخزد آنان امر را به مردی از خاندان من می سپارند که زمین را از عدل و داد لبریز می سازد پس از آنکه از ظلم و جور مالا مال شود.

کسوف و خسوف

یکی دیگر از نشانه های ظهور امام مهدی (ارواحنا فداه) رخداد دو پدیده نابهنگام و غیر عادی کسوف و خسوف است. اگر چه این دو پدیده از رخدادهای طبیعی ست لیکن تحقق آنها منوط به شرائط ویژه نجومی می باشد که در غیر این صورت امر غیر عادی خواهد بود.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

پیش از این امر (ظهور قائم آل محمد علیهم السلام) 25 ماه رمضان و خورشید در نیمه آن ماه گرفته می شود آنگاه است که حساب منجمان بر هم می خورد.

گرفتن خورشید و ماه، پدیده ی جدیدی نیست. ولی آنچه که مهمّ است این است که همیشه کسوف در اوائل ماه و خسوف در اواخر ماه رخ می دهد. و این قانونی است که تا به حال نقضی به آن وارد نشده ولیکن قبل از ظهور آنحضرت ماه در 25 و خورشید در 15 ماه رمضان می گیرد و این از آیات الهی است که به گفته امام (علیه السلام) از آن هنگام حساب منجمین نیز به هم می خورد (20).

در این باب احادیث دیگری ست که می توان بدان رجوع نمود (21).

پر شدن زمین از ظلم و جور

در روایات فراوانی آمده است که امام مهدی (ارواحنا فداه) ظهور می کنند و زمین را از عدل و داد لبریز می سازد بعد از آنکه زمین از ظلم و جور پر شده است. مرحوم کلینی این مضمون را این گونه روایت می کند.

«هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.» (22)

او مهدی ست که زمین را از عدل و داد لبریز ساخته پس از آنکه از ظلم و ستم مالا مال شود.

و روایات به این تعبیر از سَنّی و شیعه بسیار نقل شده است. لیکن علامت بودن این نشانه از حتمی است ولی وقوعش حتمی نیست. یعنی اگر زمین از ظلم و جور لبریز شد آن هنگام بی تردید زمان ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) است ولیکن اینطور نیست که حتماً این شرائط می بایست تحقق یابد چرا که ممکن است در یک زمانی همه ی انسان ها با هم یکدل شده و همه یکصدا از خداوند آن حضرت را طلب نمایند که طبق روایات در این صورت غیبت پایان یافته و خداوند امام (ارواحنا فداه) را برای هدایت انسان ها ظاهر می کند بدون اینکه ظلم و جور زمین را پر سازد.

شهادت نفس زکیّه

نفس زکیّه لقب فردی از دودمان رسول خدا (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم) است وی پس از ظهور و قبل از قیام حضرت بقیّه اللّٰه (ارواحنا فداه) مظلومانه به شهادت می رسد. در روایات از او به غلام تعبیر شده که شاید حکایت از نوجوان یا جوان بودن وی دارد. نفس زکیّه نیز او را نامیده اند زیرا بدون هیچ جرمی، تنها به خاطر رساندن پیام شفاهی حضرت مهدی (ارواحنا فداه) به مردم مکه کشته می شود. از حضرت باقر (علیه السلام) روایت شده است:

قائم به یاران خود می فرماید: مگه طالب من نیستند لکن من نزد آنان کسی را خواهم فرستاد تا با ایشان احتجاج کند... آنگاه یکی از یاران خود را می طلبد و به وی می فرماید: نزد مردم مکه برو و به ایشان بگو!... من پیام آور (مهدی) نزد شمایم. او می گوید: ما خاندان رحمت و مرکز رسالت و خلافتیم. ما دودمان محمد و فرزند پیامبران هستیم. همانا (در طول زمان) بر ما ظلم ها روا شده و ما را پایمال کرده و بر ما قهر نموده اند و حق ما را از زمان رحلت پیامبر (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم) تا حال به ستم گرفته اند. ما اینک شما را به یاری می طلبیم! ما را یاری کنید! چون این جوان پیام را می رساند او را گرفته و بین رکن و مقام سر می برند و او نفس زکیه است (23). امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«وَلَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَبَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسَ عَشْرَةَ لَيْلَةً» (24).
بین قیام قائم آل محمد و شهادت نفس زکیه جز 15 شب فاصله نیست.

غریو آسمانی

ندای آسمانی از روشن ترین علامت ها برای ظهور حضرت مهدی (ارواحنا فداه) و حرکت جهان شمول اوست. واقعیت این است که رخداد پرشکوهی چون ظهور امام مهدی (ارواحنا فداه) پیش از رخ دادن یک اعلام جهانی آنهم در روشنترین معنا و مفهوم می طلبد و از آنجا که این حرکت جهانی بوده و برای تمام جهان بشریت است

می بایست همه در یک زمان از نزدیک شدن و قریب الوقوع بودن آن باخبر شوند از امام صادق (علیه السلام) آمده است که «يَسْمَعُهُ كُلُّ قَوْمٍ بِالسِّنَتِهِمْ» هر قومی به زبان خود آنرا می شنود.

حال بجاست که به برخی احادیث در این باره اشاره کنیم:

از مجموع روایات چنین بدست می آید که این فریادها متعدد است اولین ندا در ماه رجب و دوم در ماه رمضان و سوم در ماه محرم شنیده می شود. امام رضا (علیه السلام) فرموده اند:

«يُنَادُونَ فِي رَجَبٍ ثَلَاثَةَ أَصْوَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ صَوْتًا مِنْهَا أَلَّا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ وَ الصَّوْتُ الثَّانِي أَرْفَتِ الْأَرْفَةَ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ... الصَّوْتُ الثَّلَاثُ بَدَنٌ بَرَى فِي قَرْنِ الشَّمْسِ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ فُلَانًا فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا» (25).

مردم در ماه رجب سه فریاد از آسمان خواهند شنید نخست آنکه: همانا لعنت خدا بر ظالمان. فریاد دوم: ای مؤمنان! قیامت فرا رسید. و فریاد دیگر اینکه در کنار قرص خورشید بدنی را مشاهده می کنند که فریاد می زند: خداوند فلانی (امام عصر ارواحنا فداه) را برانگیخته است به فرمانش گوش فرا دهید و بر اطاعتش گردن نهید. اما پیرامون ندایی که در ماه رمضان در شب بیست و سوم توسط جبرئیل در آسمان طنین می افکند این است. امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«ینادی من السماء... باسم القائم (علیه السلام) فیسمع من بالشرق ومن بالمغرب، لا یبقی راقداً إلا استيقظ، ولا قائم إلا قعد ولا قاعد إلا قام علی رجليه، فزعاً من ذلك الصوت، فرحم الله من اعتبر بذلك الصوت فأجاب فإن الصوت الأول هو صوت جبرئیل الروح الامین.

ثم قال (علیه السلام) : الصوت فی شهر رمضان، فی ليله جمعه، ليله ثلاث وعشرين، فلا تشكوا فی ذلك واسمعوا وأطيعوا.

وفی آخر النهار، صوت الملعون إبليس، ینادی: ألا! إن فلاناً قُتلَ مظلوماً. ليشكك الناس ويفتنهم، فكم فی ذلك اليوم من شاك متحیر قد هوی فی النار.

فإذا سمعتم الصوت فی شهر رمضان، فلا تشكوا فيه، إنه صوت جبرئیل وعلامه ذلك أنه ینادی باسم القائم وإسم أبيه حتى تسمعه العذراء فی خدرها، فتحرص أباه وأخاه على الخروج. ثم قال (علیه السلام) : لابد من هذين الصورتين قبل خروج القائم (علیه السلام).» (26)

نداکنده ای از آسمان به نام قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) ندا می دهد و همه کسانی که در شرق و غرب عالم هستند می شنوند، خفته ای نمی ماند جز اینکه بیدار می گردد و ایستاده ای جز اینکه می نشیند و نشسته ای جز اینکه وحشت زده به پا می خیزد.

پس درود خدا بر کسانی که از آن ندای آسمانی پند و اندرز گیرند چرا که نداگر اول جبرئیل است و ندا، ندای اوست. آنگاه فرمود: این ندا، در ماه مبارک رمضان، شب جمعه و در شب 23 ماه خواهد بود از اینرو در آن تردید نکنید، آن را بشنوید و اطاعت کنید. و در پایان روز ندای ابلیس طنین می افکند که می گوید: به هوش باشید که فلانی مظلوم کشته شده. تا بدین وسیله بذر تردید بیافشاند و مردم را به فتنه افکند و آن روز، تردیدکنندگان حیرت زده ای که به آتش دوزخ سقوط کنند، بسیارند. بنابراین، هنگامی که ندای آسمانی را در ماه رمضان شنیدید، در آن تردید نکنید چرا که ندای فرشته ی امین است و علامت آن این است که به نام قائم (علیه السلام) و پدر گرانقدرش ندا می دهد، ندایی که دوشیزگان در سراپرده ی خویش آن را می شنوند و پدران و برادران خویش را برای حرکت از خانه و پیوستن به امام مهدی (علیه السلام) تشویق می نمایند. و اما ندایی که در ماه محرم به گوش می رسد و آن ماهی است که حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) از مکه خروج می کنند و روز اول قیام آن

حضرت است که جبرئیل بر صخره ای از بیت المقدس فرود می آید (در آن هنگام که سفیانی مشغول بدترین جنایات خود در ملأ عام است) و ندا می دهد:

«یا عباد الله! اسمعوا ما أقول انّ هذا مهدی آل محمد خارج من أرض مکّه فأجیبوه» (27).

ای بندگان خدا! آنچه می گویم بشنوید این مهدی آل محمد است که از مکّه ظهور کرده او را پاسخ گویید و فرمانش را اطاعت کنید.

وقوع جنگ های بزرگ

انبوهی از احادیث با صراحت از نابودی مردم در اثر گرسنگی و قحطی و بیماری و قتل و کشتار خبر می دهند. آیا این به معنای جنگ جهانی است که میلیون ها انسان را در هم می کوبد و یا چیز دیگری است. آنچه از روایات استفاده می شود اینکه جنگهای ویرانگری واقع خواهد شد.

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آورده اند که فرمود:

«لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يُقْتَلَ ثَلَاثًا، وَيَمُوتُ ثَلَاثًا، وَيَبْقَى ثَلَاثًا» (28).

و نیز از آن حضرت آورده اند که فرمود:

«بَيْنَ يَدَيِ الْمَهْدِيِّ مَوْتُ أَحْمَرَ وَ مَوْتُ أَبْيَضَ وَ جَرَادٌ فِي حِينِهِ وَ جَدَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ كَأَلْوَانِ الدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ وَ أَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونُ» (29).

قبل از ظهور مهدی مرگ سرخ و سفید خواهد بود... مرگ سرخ جنگ و خونریزی است و مرگ سفید طاعون است.

بنابراین بسیاری در اثر جنگ و خونریزی از بین می روند.

حوادث طبیعی

پیرامون رخدادهای طبیعی که پیش از ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) روی می دهد، روایات بسیاری در دست است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

تهاجم ملخ ها:

«بین یدی المهدی موت أحمر وموت أبيض وجراد فی حینه وجراد فی غیر حینه أحمر کالدم...» (30).
پیش از ظهور مهدی مرگ سرخ و سفید و حمله ملخ ها در هنگام و نابه هنگام که چون خون قرمزند خواهد بود.

طاعون:

«فَأَمَّا الموت الأحمر فالسيف وأما الموت الأبيض فالطاعون» (31).
مرگ سرخ کشته شدن به شمشیر و مرگ سفید طاعون است.

زلزله:

در حدیثی آمده است که سال ظهور سال پیدایش زلزله ها و سرمای شدید است.
«عن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: رَجْفَةٌ تَكُونُ بِالشَّامِ يَهْلِكُ فِيهَا أَكْثَرُ مِنْ مِائَةِ أَلْفٍ يَجْعَلُهَا اللَّهُ رَحْمَةً
لِلْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَاباً عَلَى الْكَافِرِينَ» (32).
از امیرمؤمنان (علیه السلام) نقل شده است: زمین لرزه ای در شام رخ خواهد داد که بیش از صد هزار نفر کشته می شوند و آن را خداوند رحمت برای مؤمنان و عذاب برای کافران قرار داده است.

مسجد شدن قبرستان ها:

یکی دیگر از نشانه هایی که برای ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) به صورت کلی مطرح شده است، تبدیل گورستان ها به مسجد است در این باره به حدیثی از رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) توجه نمایید:
در حدیث معراج آمده است:
یا محمد از جمله عطاهایی که بر تو مرحمت فرمودیم آن که آشکار خواهم کرد از نسل تو یازده امام که همه ایشان از نسل دختر تو فاطمه اند و آخرین ایشان مردیست که عیسی بن مریم در عقب سر او نماز خواهد خواند و پر می کند زمین را از عدل و داد بعد از آنکه از ظلم و جور لبریز شود.
آنگاه رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به درگاه الهی عرضه داشت:

در چه زمانی خواهد بود.

جواب فرمود:

یا محمد هنگامی که علم از بین رود و ظاهر شود جهل و کشتار بسیار گردد و کم شوند علماء و فقهاء حقیقی و بسیار شوند شاعران و امت تو گورستان ها را مسجد سازند (33).

سیلاب رود فرات:

یکی از نزدیک ترین نشانه های ظهور مهدی آل محمد (علیهم السلام) جاری شدن سیلاب فرات در شهر کوفه است.

«عن أبي عبد الله (عليه السلام): سنة الفتح ینشق الفرات حتی یدخل ازقه الکوفه» (34).

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: در سال ظهور آب فرات طغیان کرده به گونه ای که وارد کوچه های تنگ کوفه می شود.

«قال ابن عباس: یا أمیرالمؤمنین ما اقترب الحوادث الدالّة علی ظهوره؟ فدمعت عیناه وقال: إذا فتق بئق فی الفرات فبلغ ازقه الکوفه فلیتهیا شیعتنا للقاء القائم» (35).

ابن عباس می گوید: به امیرمؤمنان (علیه السلام) عرض کردم: نزدیک ترین حادثه که حکایت از ظهور خواهد داشت چیست؟ پس آنگاه چشمانش اشک آلود شد و فرمود: هرگاه شکافی بر کنار رود فرات ایجاد شود و به کوچه های کوفه رسد، آنگاه شیعیان ما آماده ملاقات قائم باشند.

نزل باران های پیاپی:

هر انسان با ایمانی در این واقعیّت، ذرّه ای تردید به خود راه نمی دهد که قطرات باران به اراده و خواست و طبق قانون خدا بر زمین فرو می بارد و این فرمان فرمای هستی است که قوانین طبیعی را چنین تدوین نموده است: «وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» (36).

او کسی است که بادهای را بشارت دهندگان از رحمت خویش می فرستد و ما از آسمان آب پاک نازل می کنیم. لکن این قوانین در واکنش به کردارهای ناهنجار چهره ای دیگر به خود گرفته و به فرمان خداوند در صدد تنبیه برمی آیند. از آن جمله تغییر در نظام بارش و وزش هاست. که در آخرالزمان دستخوش تحولاتی می شوند. که در روایات بدان اشاره شده است؛ ما نیز برخی از آنها اشاره می کنیم:

یکی از نشانه های ساعه (ظهور امام زمان ارواحنا فداه) آن است که باران گرم می بارد. (37)

بیايد بر مردم زماني که آسمان ببارد و زمين نرويد. (38)

برپا نشود ساعه (ظهور) تا ببارد بر مردم بارانی که خانه های گلی باقی نماند و گل خانه های موئین شسته شود - چادرهای صحرائیان- (39)

البته تذکر این نکته ضروری است که منظور از ساعه زمان ظهور امام زمان ارواحنا فداه است که در روایات بدان تصریح شده است.

پیدایش مدعیان پیامبری و امامت

اعتقاد به نبوت و امامت در جامعه ی مسلمین همیشه به عنوان یک عقیده ی راسخ از زمان پیامبر و امامان نور (علیهم السلام) مطرح بوده است و آنقدر معروف و مشهور بوده که کسی از مسلمانان هیچ گاه جرأت انکار آن را نداشته است به خاطر استواری این واقعیت عقیدتی و دینی در جامعه ی اسلامی بود که در تاریخ اسلام، از یک سو با شخصیت هایی روبرو می شویم که طرفداران افراطی آنان برای پیشرفت دنیوی و سیاست خویش، آنان را به عنوان مهدی نجات بخش یا پیغمبر خدا مطرح ساخته اند و از دگر سوی با عناصری آشنا می شویم که بر اثر انگیزه های جاه طلبانه و خیال قدرت و شهرت، به دروغ ادّعای مهدویّت و نبوّت نموده اند شمار این افراد با توجه به آمارها به بیش از 50 نفر رسیده است که بیشتر آنها ادّعای مهدویّت داشته اند و گفته اند مائیم همان مهدی موعود که قرآن نوید آمدنش را می دهد و چون اکثر آنان ادّعای مهدویّت و امامت داشته اند ما در این زمینه سخن می گوئیم کسانی که در تاریخ بدین عنوان شهرت یافته اند به اعتباری بر سه گروه قابل تقسیم اند.

- 1 - کسانی که دیگران بر اساس انگیزه های خاص آنان را مهدی نجات بخش خواندند مانند محمّد حنفیه فرزند امیرمؤمنان (علیه السلام) و زید فرزند امام سجّاد (علیه السلام) و محمّد بن عبدالله محض فرزند امام سجّاد (علیه السلام).
- 2 - کسانی که با انگیزه های جاه طلبی و قدرت خواهی چنین ادّعایی نموده اند و این گروه بسیارند از جمله ی آنها، مهدی عبّاسی فرزند منصور دوانیقی است.
- 3 - کسانی که طبق نقشه ی استعمار و به اشاره ی بیدادگران، به چنین ترفندی دست زده اند و بی شرمانه خود را مهدی نجات بخش معرفی کردند از جمله ی آنها بنیانگذار بهائیت، علی محمّد باب را می توان نام برد.

تفاوت های علایم ظهور و شرایط ظهور امام زمان (عج)

شرایط ظهور با علایم ظهور دارای تفاوت هایی است که عبارتند از: وابستگی ظهور به شرایط، یک نوع وابستگی واقعی است، ولی وابستگی به نشانه ها و علایم از جهت کشف و اعلام است، نه به عنوان یک امر واقعی و ارتباط

حقیقی.

علامه ظهور عبارتند از چندین رویداد و حادثه است که گاهی نیز به ظهور پراکنده پدید آمده و تنها ارتباط واقعی در بین آنها و ظهور تحقق همه آنها پیش از ظهور می باشد، اما شرایط ظهور به اعتبار برنامه ریزی طولانی الهی با ظهور ارتباط واقعی داشته و سبب پیدایش آن می باشند.

نشانه ها لزومی ندارد حتماً در یک زمان با یکدیگر واقع شوند بلکه یک نشانه در یک زمان پدید می آید و پایان می پذیرد. البته گاهی هم به طور تصادفی در یک زمان چندین نشانه با هم پدید می آیند اما شرایط باید با یکدیگر مرتبط باشند و در آخر کار موجب ظهور شوند و به تدریج ایجاد شده و آنچه وجود می یابد استمرار داشته و از بین نرود.

تمامی علامات پیش از ظهور پدید آمده و از بین می رود لیکن شرایط به طور کامل به وجود نمی آید، مگر نزدیک ظهور و یا هنگام وقوع آن و ممکن نیست که از بین بروند، علامه ظهور را می توان شناسایی کرد و می توانیم بفهمیم کدام یک از آنها موجود شده و کدامیک هنوز موجود نگشته است اما به شرایط نمی توان کاملاً و در یک زمان پیش از ظهور دست یافت و یا آنها را حاصل کرد زیرا برخی از آن شرایط وجود تعداد کافی از افراد آزموده و با اخلاص در سطح جهان بوده و بررسی درست و شناسایی آن برای اشخاص عادی امکان پذیر نیست.

منابع

1. بدء به معنای آن است که خداوند تدبیری بر خلاف تدبیر ظاهری دیگری را به جریان آورد که البته این بحث از مباحث پیچیده کلامی است که می بایست به کتب معتبر و استادان فرزانه این رشته مراجعه کرد.
2. بحارالانوار، ج 52 ، ص 250.
3. غیبت نعمانی، ص 161.
4. کمال الدین، ج 2، ص 651.
5. غیبت نعمانی ، ص 302.
6. غیبت نعمانی ، ص 253.
7. غیبت نعمانی، ص 164.
8. الزام الناصب ، ج 2 ص 197.
9. الزام الناصب، ج 2، ص 180.
10. بعید به ذهن نمی رسد که این تعبیر کنایه از بزرگان حکومتی بوده که در سایه دین بر مردم در آن دوران حکومت می کنند چنانچه بنی عباس نیز چنین بودند.
11. بحارالانوار، ج 52، ص 186.
12. معجم ملاحم و فتن، ج 3، ص 25 و 26.
13. الزام الناصب، ج 2، ص 180 (با اندکی تصرّف).
14. بحارالانوار، ج 52، ص 388.
15. ملاحم ابن طاوس، ص 77 عقد الدرر، ص 128، باب 5.
16. ارشاد شیخ مفید، ص 339 بحارالانوار، ج 52، ص 210.
17. الزام الناصب، ص 67.
18. بحارالانوار: 52 / 237.

19. دلائل الامامه: 235.
20. غيبت نعماني: 271.
21. كمال الدين: 655 بحارالانوار: 52 / 207 منتخب الانوار: 178 العدد القويه: 66.
22. كافي، ج 1 ص. 338.
23. بحارالانوار: 52 / 307.
24. بحارالانوار، ج 52، ص 203 كمال الدين، ج 2، ص 649.
25. غيبت طوسي، ص 439 بحار الانوار ، ج 52، ص 289.
26. غيبت نعماني، ص 254.
27. غيبت نعماني، ص 254، باب 14، روايت 13 عقد الدرر، ص 105 بحارالانوار، ج 52، ص 230.
28. عقد الدرر، ص 65 ؛ غيبت طوسي ، ص 267.
29. غيبت طوسي ، ص 438.
30. عقد الدرر، ص 65.
31. غيبت طوسي، ص 438.
32. غيبت نعماني، ص. 305.
33. كفايه الموحدين ، ج 3 ، ص 847.
34. اثبات الهداه، ج 3، ص 733.
35. معجم ملاحم و فتن، ج 3، ص 170 صراط مستقيم، ج 2 ص 258.
36. سوره ي فرقان، 48.
37. كنز العمال، 14 ، ص 224 و 241.
38. كنز العمال ، 14 ، ص 243.
39. بحار الانوار ، 52، 212، غيبت طوسي ، 269 و كشف الغمه.